خبرچین

دوره‌های آموزشی موسسه حکمت و فلسفه

■ **مهر:** برنامه دوره‌های آزاد آموزشی موسسه‌پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۹۲ـ۱۳۹۱ اعلام شد. از روز شنبه اول مهر بابک عالیخانی آشنایی با حکمت اشراق (تلویحات سهروردی) و حکمه‌المشرقین (مشرب‌های فلسفی چین، هند و ایران باستان) را تدریس می‌کند. از شنبه هشتم مهرعلی رافعی شرح و تفسیر مثنوی (ادامه از ترم‌های قبل) و عبدالحسین خسروپناه آشنایی با مباحث عرفان عملی را تدریس می‌کند. یحیی بونو هم روز یکشنبه نهم مهر آشنایی با پژوهش‌های شیعه‌شناسی و صدراشناسی به زبان فرانسوی و ادامه از ترم‌های قبل را یک هفته در میان به بحث می‌گذارد. همچنین حسن میانداری در مورد نسبت اخلاق و زیست‌شناسی در فلسفه ارسطو بحث می‌کند. در همین روز غلامحسین رضانژاد الشواهد الربوبیه، (ادامه از ترم قبل) را تدریس می‌کند و شهین اعوانی هم روز یکشنبه شانزدهم مهر اخلاق نیکوماخوس را به بحث می‌گذارد. مجید حمیدزاده هم شرح منظومه حکیم سبزواری (ادامه از ترم‌های قبل) را به بحث می‌گذارد. دوشنبه دهم مهر ایمان شفیع‌بیک، آموزش زبان یونانی (ادامه از ترم قبل) و اسدالله فلاحی هم منطق ربط را تدریس می‌کند. همچنین امیر اکرمی فلسفه دین و مهدی محقق هم فلسفه اشراق با محوریت شرح حکمه‌الاشراق سهروردی از قطب‌الدین شیرازی را آموزش می‌دهد. سه‌شنبه ۱۱مهر محمدجواد اسماعیلی تاریخ فلسفه اسلامی (با تاکید بر طبیعیات)، محمود یوسف‌ثانی اشارات و تنبیهات منطق – (ادامه از ترم‌های قبل) و مزدک رجبی آموزش زبان لاتین را تدریس می‌کنند. برنامه کلاس‌های غلامحسین ابراهیمی دینانی، مصطفی محقق داماد، غلامرضا اعوانی و منوچهر صدوقی‌سها هم متعاقبا اعلام می‌شود.

فلسفه ادبیات در شهر کتاب

■ فلسفه ادبیات پیش از هر چیز به «چیستی ادبیات» می‌پردازد. اما «تعریف‌پذیری» ادبیات خود موضوع اساسی مورد توجه است. به عبارت دیگر، آیا امکان محدود کردن ادبیات، درون چارچوب ویژه‌ای با ویژگی‌های ذاتی هست یا اینکه ادبیات مفهومی فرهنگی است که درون گفتمان‌ها شکل می‌گیرد و تعریف می‌شود؟ دوره آموزشی فلسفه ادبیات در ۱۰جلسه با تدریس امیرعلی نجومیان در شهر کتاب برگزار می‌شود. در طی دوره، نظریه‌های مطرح فلسفه ادبیات مانند نظریه محاکات، نظریه رمانتیسم (بیان، تاثیر و تخیل)، نظریه زیبایی‌شناسی، نظریه شکل‌گرایی ادبیات، نظریه ساختاری ادبیات، نظریه تفسیری/خوانشی، نظریه ساختگی بودن جهان متن ادبی و نظریه بینامتنی و خود ارجاعی طرح می‌شود. در راستای طرح این نظریه‌ها، به نسبت ادبیات با مفاهیمی مانند واقعیت، زبان، لذت، زیبایی و حقیقت نیز توجه شده، سپس به پرسش مهم «راز ماندگاری ادبیات» پرداخته می‌شود. آن‌گاه مفهوم «ادبیات ارزشمند یا معیار» و معیارهای فرهنگی و برساخته آنها بررسی می‌شود. در پایان به دیدگاه‌های معاصر درباره ادبیات، به‌ویژه دیدگاه‌های موریس بلانشو و ژاک دریدا، هم اشاره خواهد شد. در طی دوره، برای ملموس شدن بحث‌های نظری به آثار ادبی اشاره می‌شود. این دوره آموزشی روزهای دوشنبه ساعت ۱۶ تا ۱۸ برگزار می‌شود. آغاز آن اول آبان ۱۳۹۱ است و علاقه‌مندان برای ثبت‌نام تا ۱۷ مهر فرصت دارند در ساعات اداری به مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمدقصیر، نبش کوچه سوم مراجعه کنند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۸۸۷۲۳۳۱۶ و ۸۸۷۱۷۴۵۸ تماس بگیرند. بدیهی است با توجه به محدودیت ثبت‌نام، اولویت با کسانی است که زودتر اقدام کنند.

گفت‌وگو و تاثیر آن در دفاع از پیامبر

■ **مهر:** همایش «گفت‌وگو و تاثیر آن در دفاع از حضرت محمد (ص)» با هدف ارایه چهره درست از حضرت محمد (ص) طی گفت‌وگوهای سازنده، فروردین سال آینده در عربستان برگزار می‌شود. در این همایش مفهوم گفت‌وگو، زیربنا و شیوه‌ها و فعال‌سازی گفت‌وگو در معرفی و دفاع از حضرت محمد (ص) مورد بررسی قرار می‌گیرد. تجلی حقایق و از بین بردن مفاهیم نادرست و احکام نادرست، ایجاد پل ارتباطی و تفاهم و تعمیق و همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد و ملت‌ها، معرفی حضرت محمد (ص) و تصحیح چهره نادرست و دفاع از ایشان با شیوه گفت‌وگوهای تمدنی سازنده، تعمیق زبان گفت‌وگو میان مسلمانان با غیرمسلمانان از موضوعات مورد بررسی در این همایش به شمار می‌روند. این همایش هفته اول فروردین ماه ۱۳۹۲ در دانشگاه اسلامی محمدبن‌سعود ریاض برگزار می‌شود. حقیقت گفت‌وگو و اهمیت آن در اسلام و تاثیر آن در دفاع از حضرت محمد (ص)، ارایه محاسن شریعت از میان گفت‌وگو، رد شبهات و تبیین اعتدال اسلامی و دوری از افراط و تفریط و تلاش علمای مسلمان از نبی اکرم (ص) طی گفت‌وگوهای گذشته و امروز سایر موضوعات مورد بررسی در این همایش به شمار می‌روند.

از «تفکیک جنسیتی» دانشگاه‌ها تا تقسیم دانش‌ها به «نرینه» و «مادینه»

حکمت‌الله ملاصالحی

عکس: مهدی حسنی، شرق

وحدت بنیادین و پیکروار تاریخ آدمی، قوه، قابلیت و ظرفیت انعطاف‌پذیری بی‌بدیل جامعه و جهان بشری و جغرافیای پرچین و شکن و رنگارنگ فرهنگ‌ها و سنت‌ها واقعیتی است آنچنان ملموس و محسوس و آشکار که گمان نمی‌رود هیچ وجدان واقع‌بین و اندیشه و خرد حقیقت‌جویی بتواند به آسانی به‌چشم تردید در آن بنگرد و ناپذیرفته و نافهمیده از کنارش بگذرد. تاریخ آدمی تاریخ فرهنگ‌هاست و نه تاریخ فرهنگ و جامعه و جمعیتی خاص. هم در تدارک خوان ضیافت آن همه جنسیت‌ها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، سنت‌ها، گروه‌های اجتماعی، جمعیت‌ها و جامعه‌ها سهیم بوده و مشارکت داشته‌اند هم آنکه کسی بر سر این سفره و خوان ضیافت میهمان نیست همه میزبان‌اند و محق. البته کسی در این عالم مالک مطلق چیزی نیست. آمده‌ایم میراثی را برگیریم و میراثی را از خویش وانهیم.

عالم بشری عالم مشروط‌هاست نه مطلق‌ها. فرو کاستن امر مطلق از بارگاه و مرتبت الهی و ساحت الوهیت به تعبیر دینی به سطح و ساحت بشری میراث به‌جای‌مانده و رسوبات باورهای مشرکانه و نظام‌های فرعونی و سنت‌های اسطوره‌ای و مدنیت‌های اسطوره‌ورز عهد باستان است. هیچ جامعه‌ای نه مطلق خوب است و نه مطلق بد. لیکن باید هوشیار و بیدار بود و لحظه‌ای گام از مجاهدت به عقب نکشید و دست از تلاش فرو نبست و شانه از بار مسوولیت خطیر و سنگین صیانت از حریم کرامت و حرمت و شرافت انسانی و منزلت انسان بودن تهی نکرد تا نیروهای شر و شیطانی بر جامعه و جهان بشری چیره نشوند و بر کرسی رفیع کرامت آدمی تکیه نزنند. قصه یونس‌نبی(ع) را از یاد نبریم که دفتر پیام و درس‌های آموزنده‌اش همچنان بروی ما گشوده است و عبرت‌آموز تا در دام مطلق دیدن مشروط‌ها و مقتضیات و محدودیت‌های بشری گرفتار نیاییم و مشروط‌ها را به‌ساحت مطلق برنکشیم.

قهر افکندن و دو پاره و شقه کردن وثنوی دیدن وثنوی فهمیدن مطلق هستی به‌طورکلی و جامعه و جهان بشری به‌طوراخص میراث شوم و رسوبات بجای مانده از باورهای مانوی وثنویت‌گرایی مانیست که ناتوان از فهم وحدت بنیادین و درونی هستی است. اتفاق و اتحاد و هماهنگی و زیبایی مرموز و رازآمیز تناظرها و شکوه تقابل‌ها و کشش و کنش روحانی و خلاق و فعال تضادها را دیدن و هستی را با تمامیت‌اش زیستن و پذیرفتن و باور ورزیدن فرهنگ و فضیلتی است که به‌هر میزان جامعه‌ها را به‌لحاظ فکری و معنوی آزموده‌تر، آموخته‌تر، پخته‌تر، فربه‌تر، شکوفان‌تر و فروزان‌تر یافته‌ایم حقیقت و حقانیتش را زنده و آشکارتر احساس کرده و زیسته‌ایم و کلیت و تمامیتش را پذیرا شده‌ایم. سخن نغز و دلنشین حافظ را در همین رابطه ببینید

در کارخانه عشق از کفر ناگزیر است / آتش که را بسوزد گر بولهب نباشد

یا

دریـن چمن گل بی‌خار کس نچید آری / چراغ مصطفوی با شرار بولهبیست

کمتر متفکر و عارفی به ژرف‌بینی و وسعت نظر مولوی جلال‌الدین محمد بلخی به وحدت بنیادین هستی، زیبایی، کشش، کنش درونی، روحانی زوج‌ها، تناظرها، تقابل‌ها و اضداد را زیسته و فهمیده و سروده و به حقیقت آن دل آگاهانه باور داشته است.

جمله اجزای جهان زان حکم پیش / جفت جفت و عاشقان جفت‌خویش

شب چنین با روز اندر اعتناق / مختلف در صورت اما اتفاق

روز و شب ظاهر دو ضد و دشمنند / لیک هر دو یک حقیقت می‌تنند

نه حافظ و نه مولوی از گروه متفکرانی نیستند که سخنی بگویند که پای از فرش سنت، میراث کلام، کتاب و حیانی قرآن، دیانت و معنویتی که از آن برآمده‌اند فراتر بگذارند، ایجاز کلام و حیانی قرآن را در همین رابطه ببینید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروانثی و جعلناکم شعوبا و قبائل و لتعارفوا آن اکرمکم عندالله اتقاکم» (سوره حجرات آیه ۱۳)

آیه‌های فراوان دیگری در قرآن شریف آمده که در آنها هم بر تنوع و رنگارنگی بنیادین جامعه و جهان بشری ما انگشت تاکید نهاده شده هم بر اتفاق و هماهنگی و اتحاد درونی و بنیادین تناظرها و تقابل‌ها و کشش و کنش روحانی موجودات چونان آفریدگان دست آفریدگار و جلوتی از مبداء فیض که شرح و تفسیرش بیرون از حیطه صلاحیت نوشتار اکنون ماست.

دوره‌های افول یا خلأ فکری جامعه‌ها همواره مصادف بوده با ظاهربینی و سطحی‌نگری و مواجهه خام و عوامانه با واقعیت‌ها و گرمی و رونق بازار فرآورده‌ها و کالاهای فکری نامرغوب و ناخالص و ناسره و تصمیم‌گیری‌های ناسنجیده و ناکارشناسانه و خسارت‌بار. تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها و تقسیم دانش‌ها به رشته‌ها و دانش‌های نرینه و مادینه و محروم مردود و مغبون کردن دانش‌آموزان دختر از تحصیل در برخی رشته‌ها به‌ویژه رشته و دانشی به‌غایت انسانی، اجتماعی، فرهنگی، فرهنگ‌ساز، انسان‌پرور، معرفت‌گستر و آگاهی‌بخش چونان باستان‌شناسی تنها یک ستم آشکار به زنان و دختران میهن و ملت و مردم ما نیست بلکه بیش از نیمی از پیکر فعال و خلاق جامعه باستان‌شناسی کشور را از حوزه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به بیرون میراند و به رکود می‌کشاند.

اثرات و تبعات منفی و خسارت‌بار این تصمیم از آنچه دوسال پیش بر سر میراث و میراثیان آوردند و ستون فقرات سازمان میراث فرهنگی را درهم شکستند هم بر میراث و میراثیان و جامعه باستان‌شناسی کشور فاجعه‌بارتر می‌تواند باشد هم آنکه توانایی فکری و توان‌مایه معرفتی میهن و ملت و مردم ما را در صیانت از مواریث مدنی و معنوی خویش به‌شدت کاهش خواهد داد.

نرینه و مادینه دیدن دانش‌ها و سهم دانش‌های نرینه را به نرینگان دادن و دانش‌های مادینه را به مادینگان سپردن هم با سرشت کنجکاو و فطنت و فطرت معرفت‌یاب و کشش‌ها و کنش‌های خلاق انسان چونان هستنده‌ای جست‌وجوگر و آفریننده و سازنده عالم انسانی خویش منافات دارد هم مانع بزرگی بر سر راه مجاهدت و تلاش آدمی به امید دست یافتن و دیدن واقعیت‌ها در روشنایی خورشید حقیقت است. وحدت بنیادین و پیکروار تاریخ آدمی نه فروکاستنی به تاریخ طبیعت است و به‌تاریخ موران و زنبوران و نه شقه‌پذیر به تاریخ نرینگان و مادینگان یا به تعبیر دیگر تاریخ مذکر و مونث. هم در افتتاح و گشودگی آن هم در استمرار و شکوفان شدن و غنا بخشیدن و رنگارنگی آن همه گروه‌های جنسی و سنی و نژادی هریک به سهم خود مشارکت و دخالت موثر و مستقیم داشته‌اند. مهم و اصیل و اساسی‌تر از اینها همه تقدم حقیقت یگانه انسان بودن است بر واقعیت مونث و مذکر بودن او. منظر قرآن شریف را در همین رابطه ببینید: یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس و احده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا «و نساء» و ... (سوره نساء آیه یکم). رویکردهای فمینیستی و میلمینیستی! و مونث‌مدار و مذکرگرای دوره جدید نه‌تنها نفس واحده به تعبیر قرآنی آن و حقیقت وجودی و یگانه انسان بودن را نادیده می‌گیرند بلکه گام در مسیری نهاده‌اند که شکاف و شقاق و قهر هر چه بیشتر و بیشتر میان جنسیت‌ها را دامن خواهند زد که البته عملا چنین نیز کرده‌اند. آتش بیرحمی و قساوت و سنگدلی که اکنون بر جان، وجدان، روان، رفتار جامعه و جهان بشری ما چنگ افکنده و سیطره دارد ربط وثیق با دور شدن و فاصله گرفتن و انکار حقیقت وجودی انسان چونان «نفس یگانه و واحده» و فراق افکندن میان جنسیت‌هاست. تصادفی نیست که دوره جدید بیش از هر دوره دیگری به مفهوم انسان کامل به حقیقت و تحقق آنکه در سنت‌های دینی و عرفانی گذشته سخت مورد توجه بود بیگانه است. یک‌بار دیگر احساس می‌کنیم برای عبور از چنین شرایط نگران‌کننده و مخاطره‌آمیزی ضرورت دارد وحدت وجودی و روحانی و درونی و حقیقت یگانه و یکتای انسان بودن را در تحقق انسان کامل به تعبیر سنت‌های متعالی دینی و عرفانی با وجدانی بیدارتر و چشمی واقع‌بین‌تر ببینیم و بفهمیم و بپذیریم؛ وقتی پاکیم به عالمی محرمیم. در مقام حقیقت محرمیت و مو آن است و آشتی عالم را بیش از هر موقعیت و مقام دیگر می‌توان زیست و آزمود. طواف و لبیک لک لبیک حاجیان را برگرد یک قبله و کعبه ببینید. مقام شریعت، مقام و موقعیت حدها و مرزهاست و فرقان قرآن.

فرهنگ‌ها را به هر میزان متعالی‌تر و جامعه‌ها را به هر میزان به لحاظ فکری قوی‌پنجه و سترگ و سخته‌تر و به لحاظ معنوی و اعتقادی از بنیه و بنیان ارزشی، معنوی و اعتقادی مستحکم و منسجم‌تر یافته‌ایم تزلزل و ترک‌خوردگی و دوپارگی و شکاف کمتری را در معماری و ساختمان آنها مشاهده کرده‌ایم.

دانش باستان‌شناسی مانند بسیاری از رشته‌ها و دانش‌ها مولود کشش‌ها و کنش‌ها و تمایلات عمیق و بنیادین انسان زمانه‌ای است که سرمایه عمر و اندیشه نسل‌هایی از فرزندان سختکوش و باهوش و استعدادش را هزینه کرده تا وجب به وجب و لایه به لایه و دوره به دوره عقبه تاریخی و پیشینه فرهنگی و سابقه اجتماعی آدمی را بجوید و بکاود و بشناسد و بفهمد و به این یا آن پرسش بنیادین که از کجا آغاز کرده‌ایم که به اینجا در این مقطع و موقعیت تاریخی رسیده‌ایم؟ ما اینک و در این موقعیت و شرایط تاریخی اکنونی که در آن به‌سر می‌بریم وارثان و میراث‌خواران کدام گذشته و پیشینه و عقبه تاریخی و فرهنگی هستیم؟ پاسخ دهد. این پرسش‌ها و صدها پرسش مهم و کلیدی مشابه دیگر نه سرشتی مادینه دارند نه نرینه. نه شرقی نه غربی. عمیقا «انسانی‌اند و برآمده از ذهن و فکر و فرهنگ و آهنگ جامعه و جهان انسانی ما. محروم و مردود و مغبون کردن هر گروه سنی و جنسی از تحصیل آن هم در رشته‌ای فوق‌العاده تاثیرگذار و به‌غایت انسانی چونان باستان‌شناسی یا اساسا هر رشته و دانش دیگری نه به لحاظ اخلاقی پسندیده نه با علم، عقل، عرف، منطق موافق و سازگار و نه آنکه اثرات و تبعاتش برای جامعه ما کم‌هزینه و کم‌خسارت خواهد بود.

زیبایی و شکوه حضور فعال زنان را شانه به شانه مردان در عرصه‌های خلاق فرهنگ، زندگی، اقتصاد، معیشت، دانش، دانایی، فناوری، ذوق، هنر و خلاقیت ببینیم. اگر آفت، آسیب، کاستی و نارسایی در میان است که بی‌هیچ تردید چنین است می‌توان با تفکر و تعقل و تدبیر راه حل‌های مناسب ارایه داد و گره‌ها را گشود و موانع را از پیش‌رو برگرفت و تحولات را در مسیری انسان‌ساز و متعالی‌تر انداخت. افکندن سنگ در مسیر تحولات نفسگیر و سیلاب رخدادها و اتخاذ تصمیم‌های مقطعی و شتاب‌زده و ناسنجیده خسارت‌ها و هزینه‌های چنان سنگینی را طی سال‌های اخیر بر جامعه ما تحمیل کرده است که گمان نمی‌رود به آسانی بتوان جبرانش کرد. در حوزه مواریث و مآثر تاریخی و فرهنگی کشور اتخاذ تصمیم‌های ناکارشناسانه و ناباستان‌شناسانه، ویرانی‌های چنان گسترده و خسارت‌های چنان سنگینی را به‌بار آورده و درپی داشته که تصور نمی‌شود به سهولت یا اساسا «هرگز بتوان جبران‌شان کرد. در کمتر از یک دهه به مقیاس بیش از یک سده زخم و آسیب و تیشه به ریشه‌های تاریخ و فرهنگ و مواریث مدنی کشور واقعیتی است آنچنان تلخ و ناگوار و رخدادی آنچنان نگران‌کننده که اگر مهار نشود می‌تواند ضربه‌ای مهلک بر انسجام و اقتدار و اعتبار مدنی و معنوی ما وارد آورد!»

نرینه و مادینه دیدن دانش‌ها و سهم دانش‌های نرینه را به نرینگان دادن و دانش‌های مادینه را به مادینگان سپردن هم با سرشت کنجکاو و فطرت معرفت‌یاب و کشش‌ها و کنش‌های خلاق انسان منافات دارد هم مانع بزرگی بر سر راه مجاهدت آدمی به امید دست یافتن و دیدن واقعیت‌ها در روشنایی خورشید حقیقت است

باستان‌شناسی نه دانشی نرینه است نه مادینه، نه غربی و نه شرقی، نه سکولارخیز نه آخرت‌گریز و آسمان‌ستیز. هرچند چونان یک رشته و دانش جدید دانشگاهی مولود زنجیره‌ای از تحولات عظیم تاریخی و چرخش‌ها، جنبش‌ها و خیزش‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فنی بوده که پس از سده‌های رنسانس و انقلاب علمی و فنی سده‌های سپس‌تر ۱۸ و ۱۹ در منطقه غربی تاریخ اتفاق افتاده و درآغاز و رگ و پی و بند ناف آن با اندیشه، عقلانیت و ارزش‌های مدرنیته و تاریخ دوره جدید سخت درهم تنیده بود و هم‌اکنون نیز به‌میزان زیاد از همان رویکردهای تاریخی، ارزشی، فکری و فرهنگی بهره می‌گیرد و تاثیر می‌پذیرد. اما اینها همه چیزی از اعتبار معرفتی باستان‌شناسی چونان یک رشته و دانش جهانی و ابزار فوق‌العاده مهم شناخت با ظرفیت‌ها، امکانات و منابع معرفتی گسترده در مسیر گسترش دانش و دانایی بشر و فراخ‌تر شدن هرچه بیشتر و بیشتر زمینه پژوهش‌ها نمی‌کاهد. دستاورد معرفتی باستان‌شناسی، خوان ضیافتی است گشوده و گسترده روی همه رشته‌ها، دانش‌ها، حوزه‌های معرفتی و آموزنده برای همه گروه‌های سنی و جنسی. کنجکاوی‌های آرکئولوژیک یا باستان‌شناسانه اصیل و گوهرین و بنیادی‌ترین کشش‌ها و کنش‌های معرفت و حقیقت‌جو و معناکاو ذهن یا به تعبیر دیگر هم هستی‌شناختی هم فلسفی‌تر وجودی آدمی است. آنها نه سرشتی جنسیتی دارند نه سنیتی و نه قومیتی. فارغ از اینها همه در جان، روان، ذهن، ضمیر، اندیشه، خرد و خیال آدمیان فعالند. سری به موزه‌های عالم مدرن بزنید و جمعیت‌های میلیونی را از هر گروه سنی، جنسی و قومی زیر سقف و پشت ویترین موزه‌های عالم مدرن ببینید تا متوجه شوید دانش باستان‌شناسی چه ولوله‌ای در ذهن و اندیشه کنجکاو انسان روزگار جدید افکنده است!

هرچند در آغاز نطفه باستان‌شناسی مانند بسیاری از رشته‌ها، دانش‌ها و حوزه‌های معرفتی به دلیل و به‌علت شرایط و مقتضیات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در رحم یک تاریخ و فرهنگ مذکر و جامعه مذکر و مردسالار بسته شد و یک سده مطالعات باستان‌شناسی مردانه ره سپرد و کلنگ نخستین کاوش‌ها را مردان بر ارض تاریخ کوفتند و سینه تاریخ را مردان شکافتند و دست به جراحی سابقه فرهنگی و پیشینه تاریخی بشر زدند اما دیری نپایید که با ورود زنان شانه به شانه مردان در میدان مطالعات و مشاهدات باستان‌شناسی هم مهر تایید بر نارینه بودن آن زد هم آنکه کارنامه درخشان زنان باستان‌شناس در سطح جامعه جهانی درستی و راستی سرشت جهانی و ناغربی و ناشرقی بیش از پیش دانش باستان‌شناسی را به اثبات رساند. صفحات تاریخ دانش و اندیشه با نام و نامه زندگی و آثار این زنان سختکوش و دانا و دانشمند آراسته شده است. البته باستان‌شناسی یک دانش انسانی است و فاعل شناسا انسان و موضوع شناخت متعلق و منسوب و مرتبط با انسان، تاریخ، فرهنگ و فرآیند حضور تاریخی انسان در جهان. پدیدار شدن و بر صحنه آمدن و رویش و رشد رویکردها و مشرب‌های بومی و منطقه‌ای و قاره‌ای نه تنها منافات با سرشت جهانی باستان‌شناسی چونان یک دانش جهانی ندارد که مهر تاییدی است بر پویایی و بالندگی آن. چیزی که هم با موجودیت هم با ماهیت دانش باستان‌شناسی ناسازگار و ناموافق جنسیتی دیدن و جنسیتی کردن آن است. پرسش و پژوهش درباره درجه و دامنه تاثیرگذاری و نقش و سهم جنسیت‌ها و گروه‌های سنی در فرآیند ادوار مختلف تاریخی و حرکت و حضور تاریخی انسان در جهان به معنای جنسیتی کردن و جنسیتی دیدن دانش باستان‌شناسی نیست. باستان‌شناسی دانش انسان است و ابزار شناخت انسان. تصادفی نیست که برای همگان فارغ از گروه‌های سنی و جنسیتی هم دلربا و جذاب بوده است هم سوال‌خیز و آموزنده.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۹

بانک‌ها و استعاره‌ها

در شعر انقلابی، استعاره وجود دارد، اما پوسته انباشته‌کننده آن منفجر شده است. انباشتن معنا در استعاره همان نقطه‌ای است که آن را با انباشتن سرمایه و زمان در بانک‌ها و تقویم‌ها پیوند می‌دهد. شعر انقلابی ذاتا فاقد استعاره نیست. بلکه استعاره‌هایش، درون شعر متلاشی شده‌اند و محتوای رادیکال آنها متناسب با سرعتی که زمان انقلاب می‌طلبد، در سراسر شعر پخش شده و به این ترتیب شعر انقلابی را در ساحت زبان انقلاب، کانونی می‌سازد. انباشته‌های استعاری، از فرم صوری انقلاب که همانا ریختن بی‌واهمه به خیابان‌هاست، تبعیت می‌کند. اجزای درونی شعر انقلابی، تک‌تک واژه‌ها، هم‌نشینی و معناپذیری آنها همان‌گونه که میکاییل هامبورگر می‌گوید، «حُسن سادگی و برهنگی را آموخته‌اند و این بار به تمام معنا شعری عریان شده‌اند.»[۲] اجزای شعر انقلابی، در ساحتی از عدالت قرار دارند که میان سوژه‌های انقلابی برقرار است. آنها در سطحی عاری از مفهوم غنایی انباشت، جمع شده‌اند. عاری شدن اجتماع انقلابی از عناوین نمادین دکتر، مهندس، وکیل و غیره از همین جنس است. تاریخ انقلاب‌ها گواهی می‌دهند که سوژه‌ها فارغ از تمام اعتقادات دینی، قومی و فرهنگی همدیگر را با عناوینی هم چون برادر، خواهر و رفیق خطاب می‌کردند. این همان شکستن استعاره‌ای است که گویا نقش بانک شعر را ایفا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- عروسک و کوتوله، والتر بنیامین، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، ص ۱۶۳.

۲- ارغنون ۱۴، شعر ناب و سیاست ناب، میکاییل هامبورگر، ترجمه مراد فرهادپور.

سلامت عمومی در برابر آزادی فردی؟

تصاویر گرافیکی حاکی از صدمات ناشی از مصرف سیگار می‌توانند قدرت این توسل‌جستن به ناخودآگاه را متوازن کنند و بدین وسیله تصمیم‌گیری‌های سنجیده‌تر را تسهیل کنند و تداوم راه‌حلی برای ترک سیگار را آسان سازند. بنابراین، در عوض نفی چنین قوانینی به منزله محدودکننده آزادی، ما باید از آنان به عنوان شیوه‌هایی برای تراز کردن زمین بازی، میان فرد و شرکت‌های غول‌پیکری دفاع کنیم که حتی هیچ تظاهری به توسل جستن به قابلیت‌های ما برای تامل و تعقل نمی‌کنند. الزام فروش سیگار در بسته‌های ساده با درج هشدارهای سلامتی و تصاویر گرافیکی مجال قانون‌گذاری برابری است برای موجوداتی که بهره‌مند از قدرت تعقل‌اند.

منبع: project-syndicate

جدول ۱۶۱۰

افقی:

۱- تسکین‌دهنده- اداره آگاهی سابق ۲- خوشگذرانی- نایب وزیرمختار- نگاتیو ۳- گرفتگی زبان- پروردگاری- آشیانه پرنده ۴- آگاه ساختن- رهیدن و آزاد شدن- یازده ۵- مادر امام کاظم- کلمه پرسشی- مقدار برق لازم برای باتری ۶- باطن انسان- دوست- طلای قالبی ۷- نشانه مفعولی- بجاآوردن عهد و پیمان- سال اسب ۸- خار و خاشاک- پراکنده کردن- بخشش- ولگرد، بی‌سر و پا ۹- فوق دیپلم- آب در زبان کودکان کوچک- گیره سر دخترانه ۱۰- سوغات کرمانشاه- فراخ- مانند، نظیر ۱۱- موش خرما- کوچک- وقار و سنگینی ۱۲- پهلوان- شهری در خوزستان- رویای تشنه لب ۱۳- چرک جامه- معاون دادستان- قلوب ۱۴- یاد تو- لباس زنان ژاپنی- طرف و جهت ۱۵- رکن بحر رجز- مروج فرهنگ

عمودی:

۱- لقب و عنوانی برای پادشاهان- کشتی جنگی یونان باستان ۲- نامی پسر خارجی- کشورها- از انبیای الهی ۳- معارفه- جلادهنده کفش- وقت معین ۴- افراطی- ستاره مشتری- آب دهان ۵- مشعل جوشکاری- میوه مربایی- جایگزین کبریت- از بت‌های معروف جاهلیت ۶- سنگ سخت- انکار کردن- جمع مشکل ۷- آشامیدن- درون دهان- نوعی ماشین- دینداری ۸- نفاق- از پرنده‌ها ۹- از ظروف پرمصرف آشپزخانه- ماچ آبدار- عدد کار خراب کن- نغمه و بانگ ۱۰- از گروه‌های موسیقی کشورمان- طناب میان ستون فقرات- الک ۱۱- خط کش مهندسی- عجله- تلخ- صفحات معروف اینترنتی ۱۲- دریا- رنگی از خانواده سبز- عددی دو رقمی ۱۳- گهواره بچه- پهلوان رویین تن یونانی- نام قدیم این شهر مشهدسر بوده است ۱۴- اندیشه‌ها- از زبان‌های رسمی- مخفف هم او ۱۵- رنگین کمان- تئاتر تلویزیونی

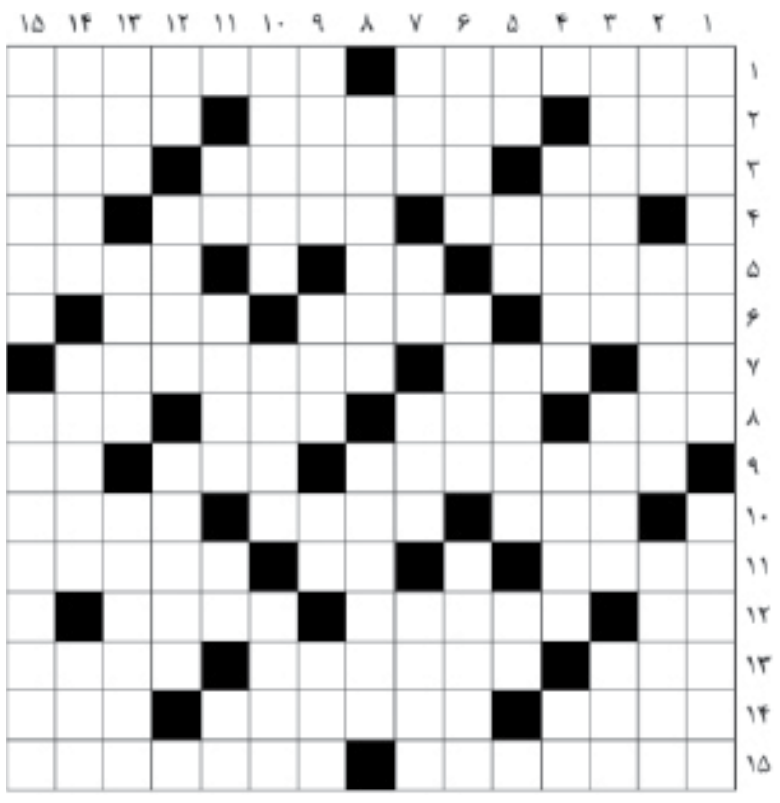

حل جدول ۱۶۰۹

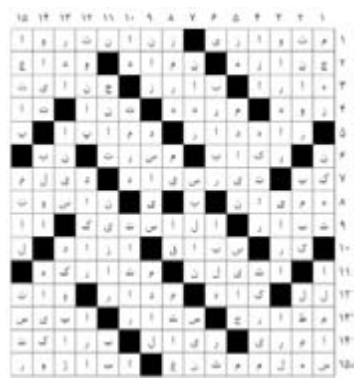

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۱۴

۹		۷		۵	۳	۶		
۲	۸			۴	۶	۳	۷	
		۱	۹	۸				۵
			۵	۲		۸	۱	۶
		۲	۴	۶				۳
۵		۸	۳				۴	
۸	۵	۹		۱				۷
۷		۳		۹	۲			
۴			۷				۹	

حل سودوکو ۶۱۳

۷	۵	۹	۱	۴	۲	۸	۶	۳
۸	۴	۳	۶	۵	۷	۱	۹	۲
۲	۱	۶	۸	۹	۳	۵	۷	۴
۵	۲	۱	۹	۶	۸	۴	۳	۷
۹	۶	۷	۳	۱	۴	۳	۵	۸
۴	۳	۸	۷	۲	۵	۶	۱	۹
۱	۸	۲	۵	۳	۹	۷	۴	۶
۳	۷	۵	۴	۸	۶	۹	۲	۱
۶	۹	۴	۲	۷	۱	۳	۸	۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۲۶۴

۴	۹	۵						۳
۲		۶				۹	۱	
	۸	۷						۴
					۱	۷	۶	۵
۵				۳				
۷	۶	۲					۳	
۹			۸				۴	
	۲			۹		۱		
			۷	۲			۹	

حل سودوکو سخت

۶	۹	۴	۲	۵	۸	۱	۳	۷
۷	۸	۱	۳	۶	۹	۴	۵	۲
۵	۲	۳	۷	۱	۴	۸	۶	۹
۱	۵	۷	۶	۹	۲	۳	۸	۴
۸	۴	۹	۱	۳	۷	۲	۱	۶
۳	۶	۲	۸	۴	۱	۷	۹	۵
۴	۳	۸	۵	۲	۶	۹	۷	۱
۹	۷	۵	۴	۸	۳	۶	۲	۱
۲	۱	۶	۹	۷	۵	۴	۸	۳